

خدا داد عزیزى در گفت و گو با قدس:

اگر صعود نکنیم
درجا زده ایم

یک سایت ایتالیایی خبر داد

منچسٽر و ناپولی به دنبال جهان‌بخشی

اصرار پزشک بر وضع حمل طبیعی به بهانه پایین بودن امتیاز بیمارستان

تأخیر در سزارین، مرگ نوزاد را رقم زد

خط قرمز - عقیل رحمانی: مرد جوانی که

برای انجام عمل سزارین، همسرش را به یکی از بیمارستان‌های مشهد برد، جنازه نوزادش را تحویل گرفت.

ماجرای این گونه آغاز شد که مرد جوان برای اینکه همسر باردارش درطول مدت بارداری تحت نظر پزشک باشد، به سراغ یک متخصص زنان و زایمان می‌رود و ۹ ماه دستورات پزشک را اجرا می‌کند.

زمان وضع حمل فرامی‌رسد و مادر به یکی از بیمارستان‌های معتبر شهر منتقل و قرار می‌شود تا پزشک معالج هم به بیمارستان مراجعه کند.

پزشک متخصص سرانجام به بیمارستان می‌آید. ضریان قلب نوزاد و دیگر علائم حیاتی نوزاد بررسی می‌شود، همه چیز خوب پیش می‌رود. پزشک معالج تشخیص می‌دهد زن جوان باید به صورت طبیعی زایمان و وضع حمل کند.

سابقه سزارین دارد و نمی تواند زایمان طبیعی داشته باشد.

طبیعی باشد!

این آخر ماجرا نبود و تأخیر در زایمان آن طور

سخنگوی ناچا تشریح کرد

جزئیات خنثی سازی اقدام‌های تروریستی در شب‌های قدر

در استان های قزوین، فارس و اصفهان ۶ نفر از مر تبین با آنان نیز دستگیر شدند. شتخونی ناجا در ادامه اظهار داشت: همچنین ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا در پی مبارزه با سواستورگ، مرگ، ۱۰ تن انواع مواد مخدر را کشف و هشت نفر از سرکرده ها و قاچاقچیان مسلح را دستگیر کردند: این میزان کشفیات نسبت به مدت گذشته سال گذشته با افزایش ۳۵ درصدی روبه رو بوده است.

این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: در منطقه سروان نیز یک تیم انتحاری در کمین نور پولیس قرار گرفت و عامل انتحاری قبل از هرگونه اقدامی به ضرب گلوله از پای درآمد. مقامی دیگر، تعداد زیادی مهمات، جلیقه و بسته‌های انفجاری از آن کشف شد.

به گفته سرمدار منظر المهدی، در استان خراسان جنوبی نیز چهار نفر از کسانی که اقدام‌های تروریستی در شب‌های قدر را داشتند، شناسایی و دستگیر شدند و هم‌زمان

میت کامل برگزار شد و همزمان همه بستگانه‌های مترو در رصد و حفاظت یگان ویژه ناجا قرار گرفت.

معاون اجتماعی ناجا خاطر نشان کرد: در این مراسم برای امان تمامی این مراسم، در هر روز، مرزبانان نیروی انتظامی از ورود یک گروه مسلح ۲۰ نفره به خاک کشورمان در منطقه سفیرشن جلوگیری کردند و در مصاف آنان دو نفر از افسران رشید مرزبانی به در مصاف به شدت تلاش نمودند.

از گونی پراید در
جاده
(جاده چالوس)

انفجار گاز در ضلع
شمالی میدان
شهید مطهری
(قم)

قاب حادثه

قاتل خواهر کش دستگیر شد

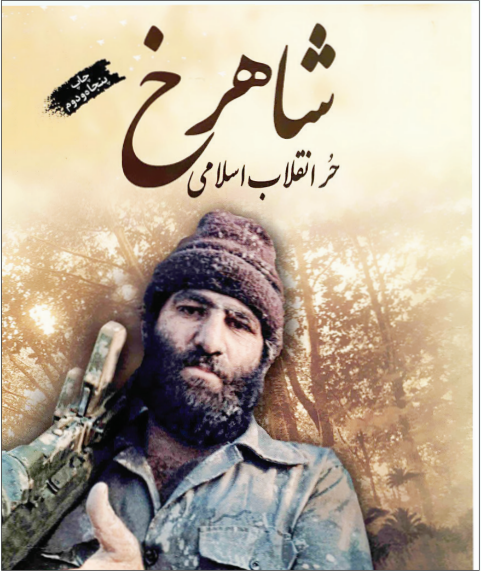
فارس: فرمانده انتظامی استان خوزستان از دستگیری قریب خیر داد که با ضربات **فارس:** قاتل خواهرش را به قتل رسانده بود، سردار حیدر سیدر زاده گفت: در پی اعلام خبری مبنی بر قتل زنی در شهر ک مطلقانی شبیاب از توابع شهرستان باوی، بلافاصله دستوراً تاد جهت بررسی و کشف جزئیات پرورنده صادر د. ای مقام شد انتظامی افزود: کارآگاهان پلیس اگاهی شهرستان با انجام تحقیقات اطلاعاتی و تحلیل وقایع مرتبط با قتل به حقیقت موضوع پی برورد و موفق به شناسایی و دستگیری قاتل شدند.

سردار عباس زاده با بیان اینکه قاتل به هوی (م-ب) از بستگان نسبی مقتول به هوی (ف-ب) می باشد، افزود: در بازسازی صحنه جرم که با حضور قاتل انجام پذیرفت مشخص شد متهم با وارد آوردن ضربات متعدد چوب دستی به سر مقتول موجب قتل وی شده است.

فرمانده انتظامی استان خوزستان در خاتمه با اشاره به اینکه قاتل در تحقیقات پلیس انگیزه خود از قتل را اختلافات فامیلی در خواهر خواهرش عنوان کرد، گفت: متهم پس از تکمیل پرونده جهت سر امر احضار قانونی راهی مرجع قضایی شد.

گفت و گو

ماجرای هدیه کتاب شاهرخ به رهبری



اگر به عکس‌ها و پوستره‌های روی دیوار دقت کنی، چند جا عکس شاهرخ ضرغام به چشم می‌آید. چند دقیقه همنشینی با حاج قاسم کافی است تا متوجه شوی او هم یکی از بچه‌های قدیمی تهران است. « یکی از بهترین کارهایی که مقام معظم رهبری هم روی آن تأکید دارند روایتگری دفاع مقدس است.

مثلاً بگوییم فلان شهید با بیست و چندسال سن چگونه جنگ را مدیریت می‌کردند. از نظر ایشان هرآنچه که آدم را یاد دفاع مقدس می‌اندازد باید احیا شود. حتی من می‌خواستم کتاب شاهرخ را به مقام معظم رهبری بدهم، خیلی‌ها مخالف بودند می‌گفتند این شخصیت نباید مطرح شود.»

خیلی‌ها شاهرخ ضرغام یا همان خُر انقلاب را از کتاب خاطراتش شنیده‌اند. کتابی که حسابی هم پرفروش بود. صادق‌ا تلاش زیادی هم برای به ثمر نشستن این کتاب انجام داده و ماجرای هدیه کتاب به رهبری را برایمان بازگو می‌کند: « وقتی کتاب را تقدیم حضرت آقا کردم فرمودند قبلاً این کتاب به دست من رسیده است.»

بعد ادامه دادند بعضی‌ها ره صدساله را یک شبه می‌روند راستش آنجا خجالت کشیدم حرفی بزنم، ولی توی دلم گفتم آقا جان بعضی‌ها هم ره صدساله را یک شبه خراب می‌کنند. بله شاهرخ قبل انقلاب خلاف‌های خودش را داشته است.

انقلابی هم نبوده است؛ اما بعد از انقلاب به جرگه انقلابیون می‌پیوندد و انقلابی می‌شود. می‌گفتند عرق خوری کرده است. من می‌گفتم مال من را که نخورده است مال خدا را خورده است. خودش به خدا جواب می‌دهد.»

◆ نه! اگر خمینی نبود بچه‌ام را اعدام می‌کردند

حاج قاسم از واکنش‌های مردم عادی به کتاب خاطرات شهید شاهرخ ضرغام خاطراتی دارد. «یک خانمی از تبریز به من تماس گرفت و گفت آقای صادقی من کتاب را که خواندم دوتا حاجت داشتم از شاهرخ خواستم به من داد. شما وقتی توبه کنید خدا می‌پذیرد و چنین جایگاهی به شما می‌دهد. یک جایی من از مادر شاهرخ می‌پرسم نهه اگر خمینی نبود بچه تو چی می‌شد. می‌گوید بچه‌ام نهه اعدام می‌شد. حالا همین شاهرخ شخصیتی است که امام به دلش می‌نشیند. وقتی دانشجویها برای مناظره به دانشگاه می‌رفتند شاهرخ را به عنوان یک انقلابی برای یادیسگار بردند. آنجا می‌گوید، ببینید بچه‌ها من هیچی سواد ندارم، اما می‌دانم اگر رگ دو دستم را بزنند خونم روی زمین می‌نویسد خمینی. این یعنی ته ولایت پذیری!»

حاج قاسم وقتی می‌خواهد داستان‌ آشنایی خود با شاهرخ ضرغام را روایت کند، همه چیز به گروه فداییان اسلام ختم می‌شود گروهی از جوانان بغیرت تهرانی که قبل از خیلی از سازمان‌ها و مسئولان و در دومین روز جنگ خودجوش راهی جنگ می‌شوند. « ما جز گروه فداییان اسلام بودیم و فرمانده ما شهید مجتبی هاشمی بود که با آقای خلخالی بر سر جمع کردن خانه‌های فساد همکاری می‌کرد. وقتی جنگ شروع شد از جاهای مختلف اسم نویسی می‌کنند و می‌بینند اتوبوس ندارند. حدود ۹۰ نفر شده بودند. به آقای خلخالی می‌گویند اتوبوس نداریم. یکی می‌گوید که دوتا اتوبوس مواد مخدر توقیف کردیم که ماشین‌ها در پارکینگ هستند. راننده‌ها را صدا می‌کنند و می‌گویند این اتوبوس‌ها را ببر خرمشهر تا آنجا که رفتی توقیف خودت هم آزاد می‌شود. یعنی اولین گروه مردمی داوطلب بودیم که به جنگ رفتیم.» بعدها خیلی از زندانی‌ها هم عاقب بخیر می‌شوند و راه زندگی شان عوض می‌شود. « یک روز آقای خلخالی می‌آید برای اعدام به زندان، آن‌ها می‌گویند می‌خواهی یک گلوله حرام ما کنی اجازه بدهید ما برویم دفاع از وطن بکنیم. برای همین حرکت می‌کنند به سمت جبهه تمعدادی از دشمنان را از بین می‌برند و خودشان هم شهید می‌شوند. جالب اینجاست که یکی از آن‌ها در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد خدایا اگر توبه مرا پذیرفتی جنازهام را تیکه تیکه کن!»

◆ از سردار همدانی نامه سفیدامضا گرفت!

گروه فداییان اسلام بعد از سامان دهی جبهه‌های جنگ منحل شده و بچه‌های گروه به کمک سیاه و سیج می‌روند. همین حضور داوطلبانه سبب می‌شود بعدها خیلی از بچه‌های گروه نتوانند سابقه جبهه خود را اثبات کنند و سردار صادقی مأموریت صدور گواهی جبهه را بر عهده می‌گیرد. « من تنها کسی هستم در ایران که گواهینامه جبهه بچه‌ها را در گروه فداییان اسلام امضا می‌کنم. این بچه‌هایی که می‌آیند باید یک سری اسناد مدارک بیاورند که من بفهمم این‌ها یا ما بودند. می‌آیند و می‌گویند که ما با فلائی و فلائی بودیم. بعد من هم می‌روم بنیاد شهید درباره حرف‌هایشان تحقیق و تفحص می‌کنم و اطلاعاتشان را چک می‌کنم. بعد می‌چرخم و خانواده‌های شهدای آنجا را پیدا می‌کنم.»

ماجرای صدور این گواهی‌ها هم برمی گردد به حضور سردار همدانی در موزه خانگی حاج قاسم. « وقتی شهید همدانی به منزل ما آمد ماجرای مشکلات بچه‌های گروه فداییان را برای ایشان گفتم و همان جا در سربرج خالی امضا زدند و گفتند خودت نامه‌اش را بنویس و ما به شما اعتماد داریم. بعد از آن، امضای سردار حاج علی فضلی را هم گرفتیم و من مسئول صدور سابقه جبهه‌های گروه شدم.»



روایت سردار حاج قاسم صادقی از اتفاقی که یادآور شهادت

«موزهٔ جنگ» خانگی

آنچه می‌خوانید

«خانه ما فقط سه اتاق دارد و من هم ۴ بچه دارم. اما هیچ وقت مشکلی برای راضی کردن خانواده نداشتم چون پدرخانوم شهید شده یعنی همسرم موفق شهید دارند. بستگی دارد که هدف از زندگی شما چیست؟ اگر هدف از زندگی شما خوراک و پوشاک باشد که حیوانات بهتر از انسان‌ها زندگی می‌کنند. برتری ما انسان‌ها معرفت است. حالا این برتری را کسی می‌خواهد با پول به دست بیاورد؛ یکی می‌خواهد از راه شخصیت یکی از راه موقعیت، یکی هم از راه آبرو می‌خواهد به دست بیاورد. من قاسم صادقی می‌خواهم نمود شخصیتی‌ام را نشان بدهم. این نمود هزینه دارد. هزینه‌اش این است که من از بخشی از زندگی خودم همراه همسر و خانواده‌ام یک بعدی از زندگی‌ام را به این موضوع و آثار سکنات دفاع مقدس اختصاص بدهم. پسرم الان همه چیز را ول کرده و همراه همسرش در بیابان‌های مناطق جنگی در حال ساخت پادمان شهادت و شب‌ها در کانکس می‌خوابد. شما الان می‌بینید هرکسی یک چور کلکسیون دارد. یکی کلکسیون تمبر دارد. یکی کلکسیون کبریت دارد. من می‌خواستم کلکسیون دفاع مقدس و ارزش‌های انقلاب که من با نامه نگاری و پیگیری‌های فراوان توانستم برخی از آن‌ها را حفظ کنم»

است یک سگ برای بچه‌های عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲ است. من به واسطه کارم قبل از بازنستستگی و حتی فعالیت‌های فقلی دائماً در منطقه جنگی در حال تفحص هستم و این چیزها به دستم می‌رسد. روزی که فرمانده سپاه سردار جعفری به دیدن خانه ما آمد ناگهان شمش به اسلحه روی دیوار افتاد و گفت صادقی اینـ را چطور آورده ای؟ توضیح دادم که این اسلحه از بین رفته و هیچ کارکرد نظامی ندارد و عملاً یک پوسته باقی مانده از اسلحه است که خیالشان راحت شد. خیلی از این تجهیزات را به ذوب آهن می‌فرستند که من با نامه نگاری و پیگیری‌های فراوان توانستم برخی از آن‌ها را حفظ کنم»

◆ به خاطر این موزه من را دادگاهی کردند

واکنش مسئولان به همت آقای صادقی باید شنیدنی باشد. از واکنش مسئولان و حمایت‌های احتمالی شان می‌پرسم. اما او از شکایت دادسرا برای ساخت این موزه برای مان می‌گوید: « یک بار از طرف دادسرا هم آمدند یک بار هم از طرف دادسرا جریمه شدیم. گزارش داده بودند این صادقی در خانه‌اش یک چیزهایی جمع می‌کند. بعد به من گفتند برای چه این چیزها را جمع می‌کنی؟ من هم گفتم

شما دوست دارید فرزند من در این وانفاسی زندگی دنبال چه چیزی باشد؟ دنبال مرادونا؟ دنبال عکس کی باشد؟ این دوست دارد این چیزها را جمع کند. ما باید چه کسی را ببینیم که دوست داریم اینطور چیزها را جمع کنیم؟ حکم اولیه نزدیک یک میلیون و خرده‌ای ۱۰ سال پیش جریمه شدیم. اما اعتراض کردم که خوشبختانه قاضی دوم حکم اولیه را باطل کرد.»

روی دیوارهای اتاق همه چیز دیده می‌شود. از نامه‌های قدیمی زمان جنگ گرفته تا خاطرات تفحص و پیکر شهیدا. حتی تصویر برخی از بازدید کنندگان از موزه هم روی دیوار نقش بسته است. «سردار عزیزجعفری فرمانده سپاه، آقای الله کرم، پناهیان، طلب شهید همدانی و خیلی‌های دیگر آمدند.

هرکدام وقتی پایشان را توی اتاق می‌گذارند توی حال و هوای آن سال‌های خودشان. مثلاً حاج محمد کوسری و سردار عزیز جعفری آمدند اینجا یاد شهدایی افتادند که زندانی بودند. یعنی حکم اعدامشان آمده بود ولی راهی جبهه شدند و به جای اعدام به شهادت رسیدند. سردار همدانی اولین بار که آمد کفترهای داخل حیاط به چشمش آمدما در حیاط کفتر و بلدرچین و مرغ و خروس هم داریم. وقتی که این اتاق را دید حسابی تعجب کرد.» گپ و گفت با کسی که سال‌ها جنگ و جبهه را برای راهیان نور روایت کرده، کار آسانی نیست.

ما بحث را به حاج قاسم و اتاقش می‌کشیم و او با دیدن اتاق و عکس‌ها یاد روایت از دوستان هم‌زمش می‌افتد: « من با این نوع زندگی که هنوز رنگ و بوی جبهه می‌دهد، عجب شدم. یک شهید داشتم موتورباز بود و پیک یکی از سردارها بود.

این شهید حتی لنگ را از شهرستان خودشان می‌خرید و جلوی موتورش نصب می‌کرد که خط و خشی به موتورش نخورد. آن هم در آن بمباران‌های سنگین. مثلاً الان یک دستمال

بزدی داریم که برای آن دوران است. بعدها چفیه مد شد. فکر کردید داش مشتی‌ها وقتی جبهه می‌آمدند چطوری بودند؟ با خودشان از این چیزها داشتند»

◆ رفقای ما با جاقو و پنجه بوکس جلوی استکبار ایستادند

ما به این اتاق به چشم موزه نگاه می‌کنیم، ولی برای حاج قاسم اینجا عشق است. ما نگرانیم بعد از حاج قاسم چه بر سر این یادگاری‌ها می‌آید او ولی خیال آسوده‌ای دارد. « این اتاق اتاق تذکر است. اگر هم بخوام تعبیری برایش بیاورم. می‌گویم اتاق شهادت.

خرج خاصی هم برایش نکردم. خیلی از این‌ها به مالخر بدهی. چدن هایش را جدا می‌فروشد، مس هایش را جدا. این کار همه‌اش عشق است. بعد از ۱۲۰ سال این اتاق نمی‌دانم چه می‌شود، اما به ما یاد داد دنبال انجام وظیفه باشید. دنبال خیر باشید به نتیجه‌اش هم فکر نکنید.

ما با مطرح کردن این خاطرات می‌خواهیم بگوییم آن زمان با دست خالی با استکبار جهانی جنگیدیم. این وسایل را نگاه کنید، رفقای ما با قمه و چاقو، پنجه بوکس آمده بودند تا در مقابل مجهزترین سیستم‌های نظامی بجنگند. ما سیم خاردار نداشتیم که جلوی خودمان بکشیم.» حاج قاسم چشمش به عکس یکی از شهدا می‌افتد و ادامه می‌دهد: «یکی از بچه‌ها غلامحسین زنهاری مرحله اولی که به جنگ آمد دست خالی بود.

مرحله دوم که آمد رفته بود چاقو خریده بود و به خواهرش گفته بود که همچنین چیزهایی برای جنگ نیاز است. همین آدم در جنگ عاشق یک دختر خرمشهری مبارز شد، ولی هیچ وقت جرئت نکرد پا پیش بگذارد و به جای ازدواج به شهادت رسید. در حقیقت ما در جنگ، هم جنگ داشتیم هم زندگی داشتیم.»

به روایت تصویر



نگاهی بر مؤلفه هایی که اقتدار سیاسی اقتصادی حکومت اسلامی را تقویت می کند

ظرفیت تمدن سازی

ا **معارف / محسن مسعودیان راد** | ماه مبارک رمضان فرصتی است تا از رهگذار آن، با رزوابایی از شخصیت ناشناخته امام علی(ع) در راستای تمدن سازی علوی و تدبیر حکومت داری و گفتمان توسعهای – تمدنی و نقش کلانشهرها در تقویت اقتدار سیاسی – اقتصادی حکومت که در نهج البلاغه بازتاب یافته آشنا شویم.

امام علی(ع) این یگانه ابر مرد جهان بشریت، اگر چه تمامی عمر و زندگی خود را در زمانی سیری کرد که بیش از هر چیز فرهنگ بادیه نشینی عرب جاهلی حاکم بود ولی درخصوص شهر و شهرنشینی، توسعه شهری، کلانشهرها و جهان شهرها گرایش و اهتمام وافری داشت و شهرها را منشأ زایش، تحول و تمدن بشری، محل تبادل افکار، اندیشه‌ها و بستری برای رشد معنویت، اخلاقی و هدایت انبوه انسان‌ها و پیشرفت جامعه انسانی و تأمین رفاه آنان، شکوفایی و اعتلای سطح فرهنگ جامعه بشری می‌دانست و همواره کارگزاران خویش را به این مهم تذکر می‌داد که این نیز خود حکایت از روح بلند و والا و اندیشه متعالی و ناب ایشان داشته و هزاران حیف که این مباحث کمتر مورد توجه صاحبان اندیشه و حاکمان اجرایی در حوزه مدیریت شهری قرار گرفته‌است.

❖ کلانشهر، کانون توجه دولت اسلامی

آن حضرت در بخشی از نامه ۶۹ نهج البلاغه به یکی از کارگزاران خویش به نام حارث همدانی چنین دستور می‌دهد:

«و اسکن الأمصار العظام فإنها جعاع المسلمین» و در شهرهای بزرگ سکونت کن زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است. امصار جمع مصر و مصر در فرهنگ عرب به معنای شهرهای بزرگ تمدنی و شهرهایی که از سابقه و پیشینه تمدنی برخوردار هستند و قید «العظام» یعنی شهرهای بزرگ تمدنی نیز به تعبیر امروزی مگا پلیس‌ها، مترو پلیس‌ها و جهان شهرها را شامل می‌شود. در عین حال به نقش آفرینی کلانشهرها در تقویت اقتدار سیاسی – اقتصادی حکومت‌ها،اشاره می‌کند و کلانشهرها را نماد روشنی از ارتباط دولت و ملت، روابط اجتماعی مردم و مظهر کاملی از توازن و تعادل روابط اجتماعی و وحدت امت اسلامی می‌داند و آن را منشأ ظهور تمدن‌های بزرگ جامعه‌اسلامی می‌شمارد.

اگر چه اندیشمندان هر کدام به پدیده شهر و کارکرد شهری از زاویه‌ه دسدی متفاوت نگریسته‌اند و برای آن تعریفی متناسب با رشته تخصصی خود ارائه داده‌اند،به طوری که جامعه شناسان بر عملکرد شهر و سازمان‌های شهری و تغییرات اجتماعی و طبقات مختلف آن و کانون قدرت سیاسی تأکید کرده و شهرسازان به شبکه ارتباطی و ساختار شهری، معماران، تکنیکات فیزیکی مکانی و ساختمانی، اقتصاددانان به محل تمرکز ابزار تولید و تمرکز سربایه و قدرت، و جغرافی دانان به شهر از منظر ساختار مکانی، موقع و مقر هسته شهری می‌کنند، ولی حضرت علی (ع) به شهر عمدتاً از زاویه اجتماعی – فرهنگی نگریسته و بیش از جنبه های طبیعی – اقتصادی – جغرافیایی به ابعاد انسانی- فرهنگی اشاره می‌دهد چرا که شهر به وسیله انسان و برای انسان ساخته می‌شود. از این رو کلانشهرها را محل مرکز انبوه جمعیت انسانی



عیدک یاقارمیرزا غافل بر خیل / قفس

برش

حضرت علی(ع) فلسفه حکومت اسلامی را در دو امر خلاصه می‌کنند: یکی «معالم دین» که نشانه‌های حق به جایگاه خویش بازگردانده شود و دیگری «نظهر الاصلاح فی بلادک» یعنی توسعه شهری و عمران و آبادانی

وایاکم والفرقافإن العباد من الناس للشیطان، کما أن الشاذه من الغنم للذئب»

«همواره با بزرگ‌ترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با جماعت است، از پراکندگی بپرهیزید، که انسان تنها پاره شیطان است آن گونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود.

❖ توسعه شهری عمران و آبادانی

حضرت علی(ع) فلسفه حکومت اسلامی را در دو امر خلاصه می‌کنند؛ یکی «معالم دین» که نشانه‌های حق به جایگاه خویش بازگردانده شود و دیگری «لنظهر الاصلاح فی بلادک، یعنی توسعه شهری و عمران و آبادانی.

«خدا یی می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم، و در سرزمینهای تو اصالح را ظاهر کنیم، تا بندگان مستعیدهدات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش‌شده تو بار دیگر اجرا گردد.»

«لنظهر الاصلاح فی بلادک» خیلی عجیب است؟ «نظهر» یعنی آشکار کنیم،اصلاح نمایان و چشمگیر، اصلاحی که روشن باشد در شهرهای به عمل آورده‌ایم. آن قدر این اصلاح اساسی باشد که احتیاج به فکر و مطالعه نداشته باشد علامتش از در دیوار بیداست، به عبارت دیگر سامان به زندگی مخلوقات تو دادن، شکم‌ها را سیراب کردن، تن‌ها را پوشیدن،بیماران را معالجه کردن، چهل را از میان بردن، اقدام برای بهبود زندگی مادی مردم، زندگی مادی مردم در سامان دادن.

«اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی کان منا منافسه

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

بشده به گونه‌ای که عظمت، شکوه و اقتدار نظام

منهای سیاست

فدای سر دلارهایت!



ایستگاه/ امید ظرافتی
قدیم و ندیم‌ها با وجود شائبه‌های فراوان در نهایت پاسخ سؤال «علم بهتر است یا ثروت» به «علم» ختم می‌شده! جدیدا اما اتفاقاتی پیرامون آدم رخ می‌دهد که کلمه «علم» از داخل پاسخ که هیچ! از داخل سؤال هم حذف می‌شود! آیا امکان دارد چیزی از ثروت بهتر باشد؟!
آیا در حال حاضر چیزی هست که با پول نتوان آن را خرید؟! و...!
برای همین ما اصلاً کاری به علم نداریم و سوزه مطلب امروزمان پول است!
به عقیده ما همه کار می‌شود با پول کرد. یعنی همان لیستی را هم که شما الان با قیافه حق به جانب توی ذهنتان ردیف کرده‌اید تا به ما ثابت کنید کارهای داخل این لیست ربطی به پول ندارد با پول می‌شود خرید، فقط کافیست آدمش را داشته باشید و راهش را بلد باشید!
برای آنکه دو ریالی‌تان جا بیفتد مثال‌های زیر را بخوانید:

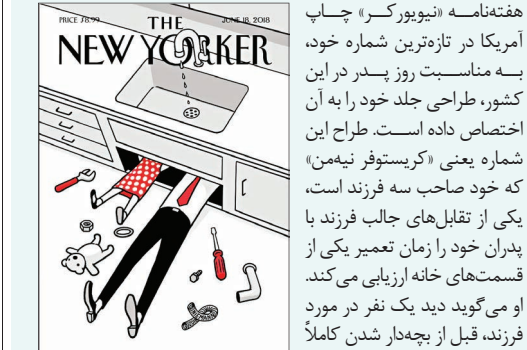
مثال یک: همین جناب «ترامپ» که دیروز با دشمنم دیرینه‌اش «اون» پای میز مذاکره نشست یک نمونه بارز از «با پول می‌شود دنیا را خرید» است! اصلاً جناب ترامپ یک شخص نیست و برای خودش یک سبک زندگی است! که به همه ثابت کرده شایسته سالاری، دانش و علم سیاسی، تجربه و... همه کشک است و با پول می‌شود رئیس جمهور شد، اروپا، خاورمیانه، عربستان، کره شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و... را هم یکی یکی پای میز مذاکره نشاند، سرشان را شیره مالید و رفت سراغ کشور بعدی!

مثال دو: صدور مجوز شکار در مناطق شکار ممنوع کشورمان برای توربست‌های خارجی! شما فکر کنید سازمان محیط زیست کلی کمپین حمایت از حیوانات را هه این‌سازد، مناطق محافظت شده ایجاد می‌کند، محیطبانان استخدام می‌کند، عکس یوز فلک زده را می‌چسباند روی پیراهن تیم ملی و برای انقراض گونه‌های نادر اشک می‌ریزد، از آن طرف پول را که نشانش می‌دهی مجوز را می‌گذارد کف دستت، گلنگدن را برایت می‌کشد که یک وقتی دستت خسته نشود، کله یوز گرامی را هم از دور نشانت می‌دهد و می‌گوید:جانم...یوز به اندازه کافی روی پیراهن‌های تیم ملی داریم. اصلاً همماش فدای سر دلارهایت!

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

پدر و فرزند امروزی



تفاوت و احساس دیدگاه‌ها را در کمک کردن فرزند به پدرش در تعمیرات خانه می‌توان بخوبی مشاهده کرد.

جام جهانی از دید فرانس فوتبال

هفت‌نامه فرانس فوتبال چاپ فرانسه در تازه‌ترین شماره خود در ویژه‌نامه‌ای ۱۰۰صفحه‌ای، به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه که از فردا آغاز خواهد شد می‌پردازد. این نشریه علاوه بر چاپ کامل برنامه بازی‌ها، مصاحبه اختصاصی با شخصیت‌های مهم تیم ملی فرانسه از جمله دیدیه دشان سرمربی کنونی تا اسطوره‌های فوتبال این کشور به چاپ رسانده است. فرانس فوتبال در قسمت ویژه‌ای نیز به تحلیل و بررسی شرایط ستارگان اصلی جام جهانی ۲۰۱۸ یعنی رونالدو، گریزمان، اینیستا، مسی، مولر و نیمار پرداخته است.

اندروید جدید را بهتر بشناسیم



ایمیل گوگل، معروف به جی‌میل را در این سیستم عامل که در چند وقت آینده بر گوشی‌های اندروید خواهیم دید مورد بررسی قرار می‌دهد.

گزارش از رویداد

از «هارپ» تا «گاپ»!

رژیم صهیونیستی در همکاری با ترکیه چه بلایی بر سر محیط زیست ایران آورده است؟

ایستگاه/ مجید تربت زاده |
اینکه نخست‌وزیررژیم صهیونیستی استعداد و اصرار عجیبی برای خنداندن من و شما و دیگر مردم جهان دارد، چیز تازهای نیست. البته در مقایسه با ماجرای نمایش نمودار بمبی در سازمان ملل که تا مدت‌ها دستمایه طنزپردازی رسانه‌های جهان شد و یا تلاش برای فارسی صحبت کردن در این سازمان، شوخی اخیر نتانیا‌هو در باره اینکه می‌تواند برای رفع مشکل کم آبی به ایرانیان کمک کند، دارای نکات جدید و قابل توجهی است!

نکته جالب اینکه همین یک سال پیش و به دنبال طولانی شدن محاصره «غزه» توسط اسرائیلی‌ها، «یونسف» هشدار داد که کودکان فلسطینی در معرض کمبود آب جدی و تشنگی فراگیر ناشی از محاصره نظامی و اقتصادی هستند. یعنی «نتانیا‌هو» که بابت تشنگی کودکان غزه کشت هم نمی‌گزد حالا به فکر تشنگی کودکان ایرانی افتاده است! بخش جالب‌تر ماجرا که تا امروز کمتر به آن توجه شده این است که رد پای اسرائیلی‌ها در بروز خشکسالی در بخش هایی از ایران و پیدا شدن سسر و کله ریزگردها هم دیده می‌شود. سیدجواد ساداتی نژاد - رئیس فراسکيون منابع آب مجلس- ديروز گفت: «در حال حاضر رژيم صهيونيستي وارد همكاري با تركيه شده و با زير پا گذاشتن كنوانسيون ۱۹۹۷ نيويورك، طرح «گاپ» را در منطقه در دست اجرا دارد كه عراق، سوريه و كل منطقه را با خطر خشكسالي و تشديد ريزگردها مواجه كرده است.»

طرح آنا‌تولی جنوب شرقی

قرار نیست با داستان سرایی و استفاده از نبروی تخیل به سبک فیلم‌های هالیوودی، همه تغییرات

کیوسک ها،

مطبوعاتی

می‌شوند!

ارقیه توسلی |

ایستگاه/ تا آنجا که به خاطر می‌آوریم، قتادی و گلفروشی و خیابانی

همان شغل است که باید باشد، اما ماهیت کیوسک‌های مطبوعاتی همانی

که نباید باشد! نافته جدابافته‌ای که سال‌هاست خیلی توی ذوق می‌زند.

حالا اما انگار ورق برگشته و قرار بر آن شده که این کیوسک‌ها هم با معنایی

نمایشان، واقعاً بست شوند!

خبردار شده‌ایم که به عزیزان این صنف، اتمام حجت شد که غیر از فروش مجله و روزنامه، توزیع محصولات دیگر چون غذایی و دخانی، برایشان جریمه ساز خواهد گشت.

درست است که ما کم عمر نفهمیدیم این کیوسک‌ها چرا همه چیز فروشی می‌کنند و چرا مردم گاه برای تهیه مایحتاج غیرفرهنگی شان به آنجا مراجعه دارند، اما گنگ و متعجب‌ایم از ابتدا اجازه فروش آزاد دخانیات و مواد غذایی چگونه به متولیان این عرصه داده شد؟

حالا با دستورات و قوانین تازه، باجه‌های باصلاح روزنامه فروشی را

بدون آمادس و سیگار و تنقلات و نوشیدنی تصور می‌کنیم و از خودمان

می‌پرسیم پس قرار است حسابی کم لعاب و رقیق بشود درآمد چندین

ساله کاسب جماعتی که نانیشان نه در عرضه فرهنگ که در عرضه

محصولات دودی و شکمی بود!

این دفاع غلط را هم لطفاً یگنارید پای این که از بس عادت مان داده‌اند این

سال‌ها که ایستگاه فروش مطبوعات را با جواش‌اش بپذیریم.

فعلاً که روی پیشخوان و داخل دکمه‌ا پر از زرق و برق خوردنی هاست

و صدا البته چند شماره مجله و روزنامه هم سر چهارراه حرفی برای گفتن دارند، اما واقعاً آن طور که می‌گویند از ادبیات، نان و آبی در نمی‌آید و

دست اندرکاران این شغل محترم، با فروش جراید بی شک چرخشان

نمی‌چرخد آقای قانونگذار!

ممنوعیت فروش اقلام غیرمطبوعاتی و جرایمی که ایبن روزها برای کیوسک دارها وضع کرده‌اند هم جای تشویق دارد هم جای نقد... نکته اما



خواهند شد! سال گذشته «جلالوندی» مدیرکل دفتر ارزیابی و اثرات زیست محیطی سازمان محیط زیست، در باره ریزنی‌های انجام شده با ترکیه و دیگر کشورها در باره این سد گفت: « نمی‌توانیم به صراحت بگوییم که امکان توقف این طرح وجود دارد یا اینکه متوقف نخواهد شد... ترکیه اگر بتواند حقایه دجله را به میزان لازم پرداخت کند، این کار کمک‌کننده خواهد بود... این مسئله حتی قابلیت پیگیری در دیوان لاهه را نیز دارد...».

رطب خورده‌ها

از سالال پیش تا امروز خبری روی خروجی خبرگزاری‌ها درباره اینکه مسئولان ایرانی ماجرا را در دیوان « لاهه» یا جای دیگری پیگیری کنند، دیده نشده است. برخی از فعالان زیست محیطی معتقدند حکایت مسئولان ایرانی در ماجرای طرح « گاپ» و سدهای پرشمارش، حکایت رطب خورده‌ای است که نمی‌تواند منع رطب کند! از این زاویه اگر به ماجرا نگاه کنیم، نمی‌توانیم به پیگیری جدی مسئولان مختلف کشورمان چندان امیدوار باشیم و حالا حالا‌ها باید شاهد این باشیم که افرادی چون «نتانیا‌هو» و شاید هم « ترامپ» به ما پیشنهاد حل مشکل خشکسالی را بدهند!

«تعداد زیادی از مسئولان، کارشناسان، خبرنگاران و فعالان محیط زیست، ۱۵۵۰ شخص حقیقی و ۱۶۰ تشکل غیردولتی در نامه‌ای به سازمان ملل متحد و یونسکو از ترکیه به دلیل بستن آب دجله و فرات شکایت کرده و آن را عامل بحران‌های اجتماعی، سیاسی و محیط‌زیستی سال‌های اخیر در منطقه از جمله ریزگردها دانسته‌اند...».

اگر «ایلیسو» آبگیری شود...

نه اینکه فکر کنید ترکیه با وجود اعتراض‌های جهانی، چندان تغییری در طرح‌هایش ایجاد یا بخشی هایی از آن را متوقف کرد. از وقتی پیمانکاران اسرائیلی به این طرح پیوسته بودند، چه بسا کار با سرعت بیشتری هم پیش می‌رفت و معاهده‌های جهانی در باره رودخانه‌ها همچنان زیر پا گذاشته می‌شد. اوضاع آشفته عراق و سوریه نیز کمک می‌کرد تا سرمداران ترکیه کار را آن طور که دوست دارند به پیش ببرند. از سوی دستگاه دیپلماسی ایران و یا وزارت نیروی کشورمان نیز حرکت و جنبش چندانی برای متوقف کردن این روند دیده نمی‌شد. سال ۹۶ بود که خبر رسید سد بزرگ « ایلیسو» بر روی سر شاخه‌های «دجله» به مراحل تکمیل شدن نزدیک می‌شود. این یعنی با آبگیری این سد «دجله» و سپس «هورالعظیم» کاملاً خشک

تلنگر



اینجاست که چه جور باید مردم هضم کنند که دیگر دکه‌های فرهنگی، سوپر و مزرعه توتون و بلیت فروشی نیست؟

ا طرح / محمد رضا میر شاه ولد |



ایستگاه | مدتی است که عکس‌های عجیب و غریب ملی‌پوش‌های فوتبالمان در روسیه سوزه کاربران فضای مجازی شده است. در میان زست‌های رامین رضاییان و شلوارهای پارداش که حتی علی پروین هم در برنامه «نود» به آن تیکه انداخت، یکی از عکس‌های مهدی طارمی که در آن گوش سمت چپش را از کلاه بیرون گذاشته بود، بیشتر از بقیه عکس‌ها توجه کاربران را جلب کرد! حتی امیر مهدی ژوله و بعضی دیگر از هنرمندان هم با منتشر کردن عکس‌های ملی پوشان در صفحه اینستاگرامشان با آن‌ها شوخی کرده بودند، اما در کمال تعجب بعضی از بازیکنان به صفحه این هنرمندان هجوم بردند و با کامنت‌های توهین آمیز این هنرمندان را شستند و روی بند پهن کردند! البته این روزها حتماً ملی پوشان‌ها سر تمرین هستند و آقای «کی‌روش» گوشی‌هایشان را گرفته است. بنابراین به «محمد رضا میر شاه ولد» که عکس مهدی طارمی را بهانه کرده و با انتشار این کاریکاتور در اینستاگرامش، بازیکنان این دوره جام جهانی را با دوره ۱۹۹۸ مقایسه کرده است، کاری ندارند!

مجاز آباد

ابروی نخست وزیر آویزان شد!



ایستگاه | «جاستین ترودو»، نخست وزیر کانادا یکی از برحاشیه‌ترین سیاستمداران جهان است که هر چند وقت یک بار سوزه رسانه‌ها می‌شود. از پوشیدن جوارب‌های عجیب و غریب با طرح‌های کودکانه بگیر تا سلفی‌های طنزی که با حیوانات می‌گیرد! آقای نخست وزیر در اجلاس سسران گروه ۷ در کانادا هم حاشیه ساز شد و زمانی که برای مصاحبه به میان خبرنگاران آمد، به دلیل شددت گرما صورتش عرق کرد و ابروی‌های مصنوعی از روی صورتش جدا و آویزان شد! ویدیوی این مصاحبه پس از پخش شدن توسط رسانه‌ها، در فضای مجازی دست به دست و سوزه شوخی‌های کاربران شد!

تاکسی تهران



ایستگاه | (مایکل کلور برشتولد»، سفیر آلمان در ایران حسابی در توئیتر فعال است و پست‌های جالب او در فضای مجازی اغلب با استقبال کاربران ایرانی رو به رو می‌شود. آقای سفیر که انگار مثل خیلی از ایرانی‌ها از ترافیک تهران به سطوح آمده، قید ماشین شخصی، محافظان کت و شلوا‌ری، امنیت و تشریفات مرسوم و باد کولر را زده و تصمیم گرفته با موتور در سطح شهر تردد کند و با انتشار تصویری از خودش در ترک یک موتور سیکلت نوشته است: «تهران!» این پست آقای برشتولد هم مثل سایر پست‌های توئیترش سوزه کاربران ایرانی شده و آن‌ها با بازنشر پست آقای سفیر درباره معضل ترافیک با او همدردی کرده اند!